

معرفی و بررسی قرابادین معصومی

محمد‌رضا اولیاء^{الف}، عطا محمد رادمنش^{ب*}

^{الف} دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
^ب استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

سابقه و هدف: قرابادین از جمله دانش‌های بسیار مهم در زمینه طب سنتی به شمار می‌آید. چرا که حاوی تجارب ارزنده پیشینیان درباره داروسازی و کاربرد داروهاست. در این مقاله از میان نسخ خطی فراوانی که در مورد علم پزشکی، به‌ویژه قرابادین نوشته شده است، به معرفی یکی از مهم‌ترین کتاب‌های عهد صفوی به نام «قرابادین معصومی» اثر معصوم بن کریم‌الدین شوشتری شیرازی می‌پردازیم. تا تجارب ارزنده نویسنده را در این باره که کمتر شناخته شده است معرفی کنیم.

مواد و روش‌ها: پس از مطالعه قدیمی‌ترین نسخه خطی این اثر در کتابخانه مجلس و مقایسه آن با دیگر نسخ در دسترس از این رساله که در کتابخانه‌های ملی، مرکز اسناد دانشگاه تهران و مسجد گوهرشاد مشهد قرارداد، به جهت رفع کاستی‌های نسخه اصلی و یافتن ویژگی‌های برجسته «قرابادین معصومی» اقدام به تطابق آن با آثار مشابهی چون ذخیره خوارزمشاهی، الاسباب و العلامات، قرابادین شفیایی و قرابادین عقیلی شد.

یافته‌ها: این نسخه از حیث اطلاعات مهم داروشناسی و ارائه نسخه‌های متفاوت برای بیماری واحد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین مؤلف در تألیف اثر ارزشمند خود از آرای بیش از چهل حکیم متقدم و معاصر خود استفاده کرده است که از حیث معرفی برخی پزشکان نام برده شده - که چندان شناخته شده نیستند - و نیز استفاده از منابع معتبر طبی حائز اهمیت است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که این کتاب حاوی ابتکارات و تجربه‌های ابداعی نویسنده در ساخت و به‌کارگیری داروهاست که بر اهمیت مطالعه و شناخت این اثر از سوی علاقه‌مندان به طب سنتی می‌افزاید.

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۹۴
تاریخ پذیرش: آذر ۹۴

کلید واژه‌ها: طب سنتی، قرابادین، معصومی، نسخه خطی، داروسازی، معصوم بن کریم‌الدین شوشتری.

مقدمه:

وجود داشته است» (۱). همچنین در کتاب «تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان» بر این نکته تأکید می‌شود که غربیان با گرت‌برداری از طب ایرانی یافته‌های خود را به دیگر ممالک عرضه کرده‌اند (۲).

اما نباید اندیشه تاریخ‌نگاری چون ادوارد براون را نیز از نظر دور داشت که معتقد است: «اطبای نخستین ایرانی مانند آل بختیشوع و آل ماسویه و ... کتاب‌های بسیاری از منابع

تاریخ پر افتخار ایران سرشار از دستاوردهایی است که امروزه هر ایرانی به خاطر آن به خود می‌بالد. «برخی تاریخ‌نگاران معتقدند که اصول و مبانی پزشکی توسط ایرانیان به یونان منتقل شده است. تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح (ع) اثری از آثار علوم یونانی در ایران دیده نمی‌شود و مکتب زرتشت یا مزدیسنا خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان در عالم

مختلف یونانی، ایرانی و هندی برای مسلمانان فراهم آوردند و طب اسلامی به همین مبانی استوار شده و به شدت پیشرفت کرد». (۳)

یکی از آثار خلق شده در موضع طب سنتی در عصر صفوی که با وجود اهمیت فراوان همچنان به صورت تصحیح نشده باقی مانده است قرابادین معصومی اثر معصوم بن کریم الدین شیرازی است که همان طور که از نام آن برمی آید کتابی است در موضوع طب سنتی که در میان آثار مشابه از حیث جامع بودن و دقت عملی که مؤلف در ضبط نسخه‌ها در این اثر مبذول داشته است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آنگونه که مؤلف در متن آورده این اثر در سال ۱۰۵۹ هـ ق به رشته تحریر در آمده است (۴).

هرچند نام نویسنده آن مشخص است؛ اما از دوران زندگی او، استادان، مریدان و مرام و مسلک وی اطلاعی در دست نیست. اگر چه این کتاب در خصوص علم پزشکی و شیوه‌های به کارگیری گیاهان و مواد طبیعی و معدنی در ساخت داروهایست؛ اما با مطالعه اوراق این کتاب می‌توان به اطلاعات بسیار مفیدی درباره تأثیر طب هندی بر طب ایرانی، به خصوص در دوران صفوی و زمینه‌های ورود طب غربی به ایران در این دوران دست یافت (۴).

مواد و روش‌ها:

تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام گرفت. «قرابادین معصومی» اثر معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی انتخاب شد. با مقایسه نسخه‌های موجود در ایران از این اثر و کسب اطمینان از صحیح و کامل بودن نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه مذکور برای این مطالعه انتخاب شد. این نسخه که به شماره ۶۳۲۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ثبت رسیده به خط نستعلیق نوشته شده و متعلق به قرن یازدهم (۱۰۵۹ هـ ق) است. در رقمی که کاتب قرابادین معصومی در خاتمه کتاب آورده است نامی از خود به میان نیاورده؛ اما این کتاب را به شخصی به نام میرزا منصورخان تقدیم کرده است. این نسخه داری ۲۵۰ برگ است که در هر صفحه ۱۷ سطر دارد.

یافته‌ها:

بشر از ابتدای خلقت همواره به درد و بیماری مبتلا بوده و با اقدامات ابتدایی و عمدتاً ناآگاهانه در پی معالجه و بهبود دردها و بیماری‌های خود با استفاده از منابع در دسترس بوده است. استفاده از گیاهان، مواد معدنی و حیوانی در ساخت داروها سابقه‌ای چندین هزار ساله دارد، به طوری که «حفاری‌های باستان‌شناسی در دره سند نشان می‌دهد که تعدادی از گیاهان نظیر فلفل، دارچین، زردچوبه و هل از چند هزار سال قبل در قاره هند شناخته شده و به کار می‌رفته است». (۵)

با جستجوی ساده به راحتی می‌توان دریافت که طب سنتی در ایران آمیخته‌ای از مکاتب طب هندی و یونانی، آموزه‌های زرتشت و اوستا، تعالیم اسلامی و نیز برخی دستاوردهای به جا مانده از دوران اساطیری ایران است که عواملی چون کشورگشایی‌ها، تبادلات علمی و فرهنگی و نفوذ اسلام در آن تأثیرگذار بوده است.

قرابادین معصومی نیز یکی از آثار مهم نگاشته شده در حوزه طب سنتی است که به سبب استفاده از منابع متعدد و معتبر در نگارش آن از جنبه‌های مختلف علمی و ادبی در خور توجه است. اهمیت علم به خاصیت هر ماده و چگونگی اثرگذاری آن بر روی بیماری‌ها و نیز بررسی پاره‌ای از ویژگی‌های برجسته ادبی که در این رساله به چشم می‌خورد، انگیزه‌ای شد تا با بررسی زوایای برجسته این کتاب، اثر ارزشمند دیگری را به جامعه علمی و ادبی ایران معرفی کنیم.

پیشینه پیدایش طب سنتی در ایران و نگارش آثار مکتوب در این زمینه:

به درستی مشخص نیست که خاستگاه اصلی طب سنتی در کدام سرزمین بوده و چگونه مکاتب درمانی در جهان شکل گرفته است؛ اما نخستین فردی که در اسناد مکتوب ایرانی به عنوان پزشک از او نام برده شده است، شخصی است به نام تریتا یا اترت که حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در ایران می‌زیسته و توسط اهورا مزدا به زرتشت معرفی شده است. آنطور که در منابع تاریخ پزشکی ایران آمده است او به خواص

گیاهان آگاه بوده و از آنها داروهایی برای درمان بیماری تهیه می‌کرده است (۶).

در یسنای ۹ بند ۱۰ می‌خوانیم که تریتا یا اترت از خاندان سام و سومین کسی است که گیاه مقدس هوم را فشرده و عصاره آن را گرفت و برای پاداش دو پسر به نام‌های ارواخشیه و گشتاسپ به او داده شد (۸). پس از آن در دوره ساسانی و بنا بر قولی مشهور به دست شاهپور اول مدرسه گندی شاپور تأسیس می‌شود و مرکزیت علمی پیدا می‌کند. مورخان بر این باورند که شاپور اول دستور می‌دهد تعدادی از کتب پزشکان بزرگ یونانی چون بقراط و جالینوس به پهلوی ترجمه شود و به فرمان همین پادشاه، گندی شاپور مرکزیت طب یونانی پیدا می‌کند (۹).

پس از حمله اعراب و از بین رفتن نسل ساسانی مدرسه گندی شاپور به بغداد منتقل می‌شود. طی قرون سوم، چهارم، پنجم و ششم هجری قمری، پزشکان ایرانی توانستند با الگو قرار دادن آثار اطباء نخستین ایرانی چون آل بختیشوع و آل ماسویه برگ‌های زرینی بر تاریخچه طب ایران اضافه کنند (۱۰).

از برجسته‌ترین آثار به وجود آمده در طی این دوران می‌توان به کتاب‌های «فردوس الحکمه» اثر علی بن ربن الطبری، «الحاوی» اثر محمد بن زکریای رازی، «کامل الصناعه» اثر عباس مجوسی اهوازی، «الصدله فی الطب» اثر ابوریحان بیرونی، «قانون» اثر ابوعلی سینا، «ذخیره خوارزمشاهی» اثر اسماعیل جرجانی و «الابنیه عن حقایق الادویه» اثر ابومنصور موفق بن علی هروی اشاره کرد (۱۰).

علم داروشناسی و به‌طور اخص «قربادین» که به شناخت «ماهیت و خواص ادویه مفرده و مرکبه» می‌پردازد (۱۰) تا قرن سوم پیشرفت‌های قابل توجهی می‌کند؛ اما تا این زمان تنها قسمت‌هایی از کتاب‌های طبی را به خود اختصاص می‌داده است. اولین قربادینی که به صورت مستقل تدوین می‌شود کتاب «الاقربادین» از شاپور بن سهل گندی شاپوری (۲۵۵م) صاحب بیمارستان گندی شاپور است. این کتاب در اواخر قرن سوم و تمام قرن چهارم، پنجم و ششم در دکان‌های داروفروشان مورد استفاده قرار می‌گرفته است (۹).

پس از آن در قرن‌های هفتم و هشتم آثار متعددی در رشته پزشکی و داروشناسی نوشته می‌شود و شرح نویسی بر کتاب‌های معتبر پزشکی رواج می‌یابد. از جمله این آثار می‌توان به «شرح قانون قرشی» اثر ابن نفیس قرشی، «التحفه السعديه» و «رساله فی بیان الحاجات الی الطب و آداب الاطبا و وصایاهم»، اثر علامه قطب الدین شیرازی، «نفائس الفنون» اثر شمس الدین محمد بن محمود آملی و درخشان‌ترین اثر این دوره «الاسباب و العلامات» اثر نجیب الدین سمرقندی که برهان الدین نفیس بن عوض کرمانی شرحی معتبر بر آن نوشته است، اشاره کرد.

در قرن نهم و اوایل قرن دهم از مخالفت متشرعان نسبت به علوم عقلی کاسته می‌شود و نویسندگان بیشتر به نوشتن شرح و حاشیه بر کتب دیگر می‌پردازند.

از سده دهم تا دوازدهم به سبب رواج تشیع در عهد صفوی علوم فقهی در اولویت قرار می‌گیرد و علوم عقلی دیگر از جمله طب به حاشیه می‌رود؛ اما از سوی دیگر به سبب رواج مشروبات الکلی، تریاک، شراب و قهوه و رواج برخی بیماری‌های خطرناک پیشرفت آن کاملاً متوقف نمی‌شود. (۱۱) مهم‌ترین کتبی که در عصر صفوی و پس از آن در موضوع قربادین تألیف می‌شود به قرار زیر است:

قربادین شفایی، تألیف مظفر بن محمد الحسینی شفایی؛
قربادین سمرقندی، تألیف نجیب‌الدین محمد بن علی سمرقندی؛
قربادین قادری، تألیف میر محمد اکبر ارزانی؛
قربادین صالحی، تألیف صالح بن محمد قاینی هروی؛
قربادین معصومی، تألیف معصوم بن کریم‌الدین طیب شوشتری شیرازی؛
قربادین منصوری، تألیف منصور بن محمد فقیه؛
قربادین کبیر، تألیف محمد حسین علوی عقیلی شیرازی. (۱۱)
در این مقاله با توجه به نسخ در دسترس از قربادین معصومی به بررسی و تحلیل این اثر گرانسنگ خواهیم پرداخت.

معرفی نسخ قربادین معصومی:

از کتاب قربادین معصومی نسخ متعددی در ایران موجود است که در کتابخانه ملی، مجلس شورای اسلامی، نشریه و

مسجد گوهرشاد و کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

از این اثر سه نسخه در مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است که یک جلد آن در دانشکده پزشکی و دو جلد دیگر در کتابخانه مرکزی این دانشگاه نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها که در جلد ۱ صفحه‌های ۳۱۹ و ۳۶۱ و ۳۵۹ فهرست‌های این کتابخانه فهرست شده است و به ترتیب با کدهای دست‌یابی ۲۱۳ و ۱۶۸ و ۲۱۴ قابل دستیابی است.

نسخه ۲۱۳ که با عبارت: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. تحمیدی که لسان اعتذار...» آغاز و با عبارت: «... انشاءالله تعالی والله بالصواب واليه المرجع والمآب آمین بالله العالمین» پایان می‌یابد، در سال ۱۰۵۹ هـ ق تألیف شده است که در مقدمه کتاب آورده شده است. تاریخ کتابت این نسخه قرن ۱۳ و فاقد نام کاتب است و به خط تحریری در ۵۰۵ صفحه نوشته شده است. (۱۲)

نسخه شماره ۲۱۴ با آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر وتمم بالخیر - یک کلمه تراشیده شده - که لسان اعتذار تذکار...» و انجام: «... مروارید یک مثقال نبات دو دانگ به دستور صلاحیه کرده، استعمال کنند» بدون اشاره به تاریخ تألیف و نام کاتب در ۵۸۸ برگ به خط تحریری نوشته شده است و در انتهای نسخه، هشت برگ در باب علم هیئت آورده شده است. این نسخه فاقد قسمت‌هایی از باب سوم مقاله هفتم و باب‌های چهارم و پنجم از همین مقاله و نیز خاتمه کتاب است و باب سوم از مقاله هفتم آن نیز ناقص است. (۱۲)

نسخه شماره ۱۶۸ در قرن یازدهم کتابت شده و فاقد پاره‌هایی از فصل دوم خاتمه کتاب است. تاریخ تألیف در مقدمه سال ۱۰۵۹ هـ ق آورده شده و فاقد نام کاتب و شامل ۱۶۸ برگ است. (۱۲)

نسخه کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد که در صفحه ۸۷۳ فهرست این کتابخانه فهرست شده است با کد ۷۶۴ در این کتابخانه قابل دسترسی است. نسخه مذکور توسط کاتبی به نام محمدباقر همدانی و در تاریخ ۲۲ جمادی الاولی ۱۲۴۰ هـ ق به خط نستعلیق کتابت شده و به شخصی به نام

گوهر ملوک تقدیم شده است. با عبارت: «بسمله تحمیدی که لسان اعتذار مذكر آن سبحان صوامع افلاک در اظهار و تکرار آن به جز معرفت در خور...» آغاز شده و به عبارت: «انجام: اجماع به عمل آورند تا مطلب و مقصود و در آنچه ضایع نگردد انشاءالله تعالی و الله اعلم بالصواب» ختم می‌شود در برگ اول دارای افتادگی است و به نظر می‌رسد این برگ پس از کتابت در سال‌های بعد به آن الحاق شده است. (۱۳)

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در صفحه ۳۲۱ فهرست این کتابخانه فهرست شده است با کد دستیابی ۶۳۲۲ قابل دسترسی است. تاریخ کتابت آن ۱۲۰۰ هـ ق و تاریخ تألیف آن ۱۰۵۹ است و به شخصی به نام میرزا منصور خان پسر سلطان محمدخان حسینی طباطبائی تقدیم شده است. کاتب که به خط نستعلیق این نسخه را تحریر کرده، در رقم خود که نزدیک به یک صفحه است، به نام خود اشاره نکرده است.

آغاز آن: «بسمله تحمیدی که لسان اعتذار تذکار مسبحان صوامع افلاک...» و عبارت پایانی: «... و مقصود حاصل آید و رنج ضایع نگردد» است. (۴)

نسخه کتابخانه ملی ایران که در جلد چهارم از فهرست این کتابخانه در صفحه ۴۹۹ فهرست شده است، با کد دستیابی ۱۹۹۵: ف در این کتابخانه قابل دسترسی است. تاریخ تألیف این کتاب در مقدمه ۱۰۵۹ و تاریخ کتابت آن ۱۱۷۶ هـ ق است. این نسخه به خط نستعلیق تحریر شده است و سرفصل‌ها و نام‌های داروها با مرکب قرمز «شنگرف» نوشته شده است. با عبارت: «بسمله، تحمیدی که لسان اعتذار تذکار مسبحان صوامع افلاک...» شروع شده و به «... تا مطلب و مقصود حاصل آید و رنج ضایع نگردد انشاءالله تعالی و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب» ختم می‌شود (۱۴).

علاوه بر نسخ ذکر شده از این اثر در کتابخانه‌های ایران نسخه موجود در کتابخانه «علی‌گره» در هند به تاریخ ۱۲۵۷ هجری قمری و به خط عنایت علی، در ۲۰۲ برگ که با شماره ۴/۶۱۵ در صفحه ۲۶ فهرست این کتابخانه آورده شده است و دو نسخه متعلق به کتابخانه انجمن آسیایی بنگال که به شماره‌های G57,1557 و 111268,907 در فهرست ایوانف ج

مورد دیگری که با مطالعه متن کتاب برای ما مشخص می‌شود شیعه بودن معصومی است که در عبارت «کام جان را در شهد شهادت اسلام و گل قند ایمان، شیرین و معطر گردانیدند و بر آل و اولاد و عترت پاکش که مستضعفان عصیان را نوش داروی ولایشان، مفرحی است روح افزا و مسمومان شکسته دل جرایم عظام را مومیایی ولایشان، تریاقی است غم زدا، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۲) به آن اشاره شده است.

از ویژگی‌های دیگری که در مورد مؤلف می‌توان به آن اشاره کرد امانت‌داری نویسنده در درج نسخه‌ها از منابع دیگر است:

جوارش هندی: شیخ ابوعلی در قانون آورده است که قولنج و ... (۸۷پ)

انوش داروی بدرالدین قلانسی: گرم است به نیم درجه و به یک حساب ... (۲۶پ)

دقت عمل نویسنده در ذکر تمام جزئیات نسخه‌ها در سراسر کتاب به خوبی مشهود است که از جمله این موارد می‌توان به ذکر مواد تشکیل دهنده دارو، مقدار، چگونگی به هم آمیختن و طریقه، زمان، محل و میزان مصرف آن اشاره کرد که نمونه‌هایی از درج آن در متن به صورت زیر است:

«اما ادویه که به علاج چشم مستعمل است؛ مانند اقلیمیا و سرمه و توبال مس و زاج و شیخ و غیره، اوّل باید سوخت، بعد از آنکه سوخته باشند به همین قاعده بشویند و در شستن و ساییدن ادویه عین می‌باید که بسیار مبالغه کنند زیرا که اندک درشتی در اجزا بسیار ضرر به چشم می‌رساند.» (۱۰ر)

«حب شبیار نسخه دیگر: همان نفع دهد: پوست هلیله کابلی و تربد سفید از هر یک پنج درم، گل سرخ چهار درم، مصطکی دو درم، صبر زرد دو برابر اجزا هم کوفته و بیخته با آب سرشته و حب سازند و شربتی یک مثقال با آب گرم در وقت خواب فرو برند و بخوابند.» (۲۳پ)

همچنین نویسنده ساخت‌های مختلف موجود از یک دارو را به صورت زیر ضبط کرده است:

«نوع دیگر: چنان است که خبث الحديد را نرم ساییده و بیست و یک روز در شراب ریحانی بخیسانند و ...» (۱۶پ)

۱ ص ۷۲۵ و ذیل یکم ص ۱۰۸ فهرست شده است و همچنین نسخه‌ای متعلق به فهرست کتابخانه فونان در کامبوج که به شماره ۲۶۷ در صفحه ۱۰۲ آن ثبت شده است را نیز باید به فهرست نسخ موجود از این کتاب ارزشمند افزود. (۱۵)

مؤلف قرابادین معصومی:

این کتاب که نوشته معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی مؤلف دوره صفوی است، نباید با قرابادین معصومی دیگر که با نام‌های «مفردات معصومی» و «مفردات صحه» نیز خوانده شده و تألیف میر محمد معصوم بن سید صفائی حسینی بهاگری هندی (م ۱۰۱۹) است و به شماره ۳۴۰۸ در کتاب الذریعه الی تصانیف شیعه ذکر شده است، اشتباه گرفته شود. (۱۵)

از دوران زندگی مؤلف قرابادین معصومی اطلاعات چندانی در دست نیست و به همین سبب اطلاعات ما در خصوص قرابادین معصومی و مؤلف آن محدود به نسخ خطی است که از این اثر به جا مانده است.

در کتاب الذریعه الی تصانیف شیعه که تنها منبعی است که از «قرابادین معصومی» نام برده، چنین آمده است: «المعصوم بن کریم الدین طبیب الشوشتری فی مقدمه فی اثنی عشر فائده و سبعة مقالات و خاتمة فی فصلین، ألفه فی ۱۰۵۹ ق، يوجد منها أربعة نسخ فی (پزشکی) بطهران.» (۱۶)

آنگونه که از دیباچه‌ای که مؤلف بر این کتاب نوشته است برمی‌آید نام کتاب به استناد جمله آغازین کتاب: «کتاب المیمونة الموسومة به قرابادین المعصومی» (۱پ) و نیز جمله: «و از سایر قرابادینات، جامع و مستغنی باشند و ترتیب آن نسخه را به مقدمه و هفت مقاله و خاتمه گذاشت و به قرابادین معصومی موسوم کرده (۲پ) قرابادین معصومی است.

سال نگارش اثر همان‌طور که نویسنده نیز در متن اشاره کرده است، ۱۰۵۹ هـ ق است که در عبارت «... و پاره‌ای از مرکبات مجربۀ اطبای هند بر آن منضم ساخته تا در این اوان که گذشته بود [ز] هجرت هزار و پنجه و نه، مجموع آنها را در سلک تحریر و رشته انتظام درآورد»، (۲پ) به آن اشاره شده است.

«معجون فنجنوش: به فارسی ریم آهن و به عربی خبث الحدیدبود، عطیه الله نیز گویند.» (۲۳ر)

از دیگر مواردی که به ارزش اثر مذکور می‌افزاید آزمون داروها توسط مؤلف است که در متن بارها به آن اشاره شده است. مطالعه متن نشان می‌دهد که معصومی صحت نسخه‌های دیگر پزشکان را پیش از به کار بستن و یادداشت اثر خود با روش‌های مختلف محک زده است. نمونه‌هایی از آن شامل موارد زیر است:

«سفوف هندی: ضیق النفس و سرفه کهنه را سود دهد و آزموده است.» (۱۴۵ر)

نسخه دیگر: «در باز داشتن خون رعاف به تجربه رسیده.» (۱۵۵ر)

بر ویژگی‌های ذکر شده این نکات را نیز باید افزود که مؤلف علاوه بر جمع‌آوری تجویزات دیگر حکیمان، ترکیباتی که حاصل تجربیات خویش در بهم آمیختن ادویه است در هر بخش ذکر کرده است که نمونه‌هایی از آن در زیر آورده شده است:

معجون نسخه مؤلف: «سرفه کهنه و ضیق النفس و ربو را نافع بود و آواز و آلت دم زن را صاف کند و درد معده و قولنج و درد سینه را فایده دهد و بسیار آزموده و مجرب و نافع است.» (۱۷۳ر)

جوارش دیگر مستعمل مؤلف: «مقوی معده و جگر بود و شکم ببندد و هیضه و قی و عصبان و اسهال دمی» (۸۷ر) همچنین به نظر می‌رسد که وی موفق به کشف برخی خواص گیاهی به نام بیخ چینی شده است که تا زمان مؤلف در میان حکیمان چندان شناخته شده نبوده و در ترکیبات ادویه نیز کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. به همین سبب مؤلف فصلی از خاتمه کتاب را به معرفی این گیاه و نیز یادداشت نسخه‌هایی از آن اختصاص داده است.

موضوع قرابادین معصومی:

موضوع این نسخه شاخه‌ای از علم پزشکی به نام داروشناسی یا داروسازی است که در متون گذشته از آن با نام

نسخه دیگر: «در نفع برابر همان؛ ص: مغز بادام و خشخاش سفید و مغز تخم خریزه از هر یک، ده درم؛ حب کاکنج پنج درم؛ تخم کرفس دو درم...» (۱۴۳ر)

ذکر وجه تسمیه دارو (علت نامگذاری ادویه) از دیگر مواردی است که به وفور در متن مشاهده می‌شود و نمونه آن در متن به صورت زیر آورده شده است:

«معجون ابوسلیم: این ترکیب را فریادرس نیز خوانند؛ زیرا که تسکین‌دهنده جمیع دردهاست.» (۴۶پ)

«فاروق: یعنی فرق‌کننده میان دو قوت، یکی قوه طبیعت و قوت زهر...» (۲۲پ)

معصومی به سبب اندیشه آسان‌سازی یافتن مواد اولیه ادویه و همچنین اعتقادی که به تأثیر استفاده از گیاهان و مواد معدنی موجود در منطقه خاص در درمان‌کنندگی آن در ذهن می‌پروراند، با وسواسی تمام به ذکر منطقه جغرافیایی که گیاه در آن رشد می‌کرده به سبب نوع ویژه مورد استفاده در آن دارو پرداخته است که مواردی از ذکر آن در متن به صورت ذیل است:

«بگیرند توتیای کرمانی و نرم کوفته و بیخته بسایند و در ظرف چینی یا شیشه...» (۱۷پ)

«ص: سورنجان مصری ده درم؛ سنای مکی هفت درم؛ پوست هلیله زرد و...» (۱۴۴ر)

اختصاص فایده نهم مقدمه به ترجمه و تفسیر ترکیب‌های هندی و یونانی و عربی و سریانی و نیز اشارات دیگری که در دیگر اوراق کتاب تسلط نویسنده را به زبان‌های یاد شده نشان می‌دهد. مانند عبارت‌های:

« و اطریفیل: از معاجین هندیان است، معرب تریهلا به زبان هندی، نام هلیله و بلبله و آمله است.» (۲۲پ)

«حب قوقایا: معروف است، قوقایا به سریانی سر است؛ چون فعل [و] نفع این حب، بیشتر در سر است؛ حب قوقایا نامیده‌اند.» (۲۳پ)

«قرقومعا که در دواء الخطاطیف داخل است، مشتق اند از زعفران. اقرقومعا به یونانی، زعفران یا ثفل زعفران گویند.» (همان)

استفاده می‌کرده‌اند را خود آزموده و در این اثر درج کرده و تعدادی از داروهای هندی را نیز ضمیمه آن ساخته است. (۴) اثر حاضر از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش اول مقدمه‌ای شامل دوازده فایده که در آن به طور مفصل به شرح موضوعاتی چون علل احتیاج به ترکیب داروها، نحوه شستشوی سنگ‌ها، نحوه سوزاندن ادویه و عاری از سم کردن فلزات، چگونگی عمل آوردن ادویه، تفسیر ادویه‌هایی که در سایر ممالک رایج بوده، شناخت مزاج‌های داروهای مرکب و ... پرداخته شده است.

بخش دوم: شامل هفت مقاله و هر مقاله مشتمل بر چند باب و هر باب شامل چند فصل است.

مقاله اول: در ذکر انواع تریاقات، مفرحات، انواع معاجین، جوارشات، اِطْرِیفات و آیارجات؛ مقاله دوم: در ذکر و بیان شراب‌ها [و لعوقات و مربیبات، رُبوب و انواع سکنجبین و حَلَوِیَّات و لعوقات؛ مقاله سوم: در بیان حبوب و اقراص و شیافات و بنادق و سفوفات؛ مقاله چهارم: در نقوع و مطبوخ و نطول و غرغره و قطور و سعوطات؛ مقاله پنجم: در ذکر ضمادات و اطلیه و غسل و خضابات و اذهان و مراهم؛ مقاله ششم: در بیان مقیثات و انواع حُقنه‌ها و شیافات مسهل و ممسک و مبهی؛ مقاله هفتم: در ادویه مرکبه که در امراض چشم «عین» متعلق است.

بخش سوم، خاتمه‌ای است در دو فصل که فصل اول به نحوه کشف بیخ چینی، مضرات، فایده و نحوه استفاده از آن و طریقه پختن و معجون‌هایی است که از این گیاه می‌توان تهیه کرد. فصل دوم خاتمه به تشریح پادزهرها، فواید و روش‌های استفاده از آن می‌پردازد.

طبقه‌بندی ادویه در قرابادین معصومی:

بررسی کتب داروشناسی در عصر صفوی و پیش از آن نشان می‌دهد که داروها ترکیبی از مواد طبیعی بوده که حکیمان از نباتات، اجزای بدن حیوانات و یا مواد معدنی موجود در طبیعت به دست می‌آورده‌اند. (۱۸) در قرابادین معصومی نیز به همین ترتیب داروها در انواع داروهای گیاهی شامل دانه گیاهان، آرد آنها و یا بخش‌هایی از برگ، ساقه و یا عصاره آنها؛

صیدنه یا صیدله یاد کرده‌اند. در گذشته این علم شامل دو بخش بوده است: «نخست ادویه مفرده یا مفردات طبی، دیگری ادویه مرکبه که غالباً اصطلاح اقربادین یا قرابادین بر آن اطلاق می‌شد.» (۱۷).

همچنین در واژه‌نامه دهخدا به نقل از ناظم الاطبای ذیل واژه «قرابادین» آورده است: «علم به ماهیت و خواص ادویه مفرده و مرکبه.» (۱۰)

آنچه که تورق «قرابادین معصومی» همچون دیگر آثار نوشته شده در این موضوع برای ما آشکار می‌کند این است که در طب سنتی قدیم حکیمان با استفاده از علم به خاصیت مواد، شاهد قرار دادن تجربیات حکیمان پیشین و یا آزمودن مواد به آمیختن مواد گیاهی، معدنی و یا حیوانی می‌پرداختند و سعی در به دست آوردن دارویی می‌کردند که در بهبود بیماری‌ای خاص مؤثر افتد و سپس شیوه آمیختن مواد، میزان آن، شرایط عمل‌آوری، زمان مصرف آن را در کتاب‌هایی که به رشته تحریر در آورده‌اند ثبت و ضبط کرده‌اند. (۴)

بخش‌بندی قرابادین معصومی:

مصنف دیباچه کتاب را با نثری آهنگین و با سبکی مصنوع با حمد بر خداوند آغاز می‌کند و او را طبیعی حاذق می‌نامد که «به دستگیری عطاران شمال و جنوب و صبا و دبور» به موجودات توان حرکت می‌بخشد و مایه شفای آنان می‌شود. (۴)

معصومی در این دیباچه اشاره می‌کند که حکیمان در هر دوره با مطالعه کتب اطبای متقدم و متأخر به تجمیع ترکیبات شناخته شده دارویی پرداخته و با الحاق تجربیات و آزموده‌های خود به آن، رساله‌ای در قرابادین فراهم می‌آورده‌اند. نویسنده خود را از این آیین جدا نمی‌بیند و به صراحت ایراد می‌کند که در همین راه قدم گذاشته است تا اثری فراهم کند که هم کافه انام از آن بهره گیرند و هم یادگاری باشد از انواع ادویه مرکب که به «تجربه مقرون تر و احتیاج مردم» به آن بیشتر است و آنان را از سایر کتب قرابادینات بی‌نیاز می‌سازد. وی در ادامه می‌افزاید که ترکیبات دارویی نانوخته‌ای که اطبا به کرات از آن

گاهی به سبب تجویز شدن یک دارو در منطقه جغرافیایی که طبیبان آن را به کار می‌بسته‌اند نام منطقه یا شهر بر دارو گذاشته شده است. از جمله: فلونیای دیگر از اطبای گیلان (۴۵ر)؛ جوارش خوزی: از فارسیان است. (۲۷ر)

رنگ داروی به دست آمده پس از ترکیب مواد نیز در نامگذاری آن مؤثر بوده است. نمونه‌های آن در متن به صورت زیر است:

معجون اسود: زحیر و اسهال کهنه را نافع بود. (۴۷ر)

اکسیر احمر: حرارت و حموت شدید که در چشم بود زایل کند. (۲۱۲پ)

یافته‌ها:

با توجه به درجه اهمیت میزان استفاده از هر ماده در ساخت داروها در طب سنتی، نویسنده، فایده هشتم از مقدمه را به تعریف واحدهای مورد استفاده در ساخت داروها اختصاص داده است و برای تعیین وزن مواد از سه روش مختلف بهره جسته است که به شرح ذیل است:

واحدهای وزنی: با مقایسه‌ای ساده میان اندازه واحدهایی که به قلم مؤلف در این اثر آمده و تعاریفی که در لغت‌نامه دهخدا ارائه شده، اندازه همه واحدها به جز دو واحد «رطل» و «من» که احتمالاً به سبب ارزش‌های متفاوتی است که هر واحد در دوره‌های زمانی مختلف، میان اقوام مختلف داشته است یا کاملاً همخوانی دارد یا اختلاف وزنی آن با واحدهای امروزی بسیار ناچیز است. واحدهای وزنی مورد استفاده در این کتاب عبارت‌ند از: من، رطل، وقیه، سیر، مثقال، درم، دانگ، طسوج، حبه و قیراط.

تعیین وزن با دانه‌ها: علاوه بر واحدهای وزنی نویسنده به ذکر نام دانه برخی گیاهان می‌پردازد که وزن متوسط هر دانه از آنها در میان اطبا مصطلح بوده است. که شامل دانه‌های زیر است: بندق، جوز نبطی، ترمس، باقلای مصری، باقلای یونانی، جوز، ملکی، بنطل، قسط رومی، قسط انطاکی، قطیر، قنطار،

داروهای حیوانی که یا شامل ترکیباتی از اجزای بدن حیوانات مانند: شاخ، سم، معده، زهره، مو یا پشم، مواد مترشحه از بدن آنها مانند: شیر و مشک و عنبر می‌شود و یا بدن سوزانده شده آنها مورد استفاده قرار می‌گرفته است؛ داروهای معدنی شامل استفاده از انواع سنگ‌ها به صورت ساییده یا شسته در ترکیب داروها است؛ داروهای مختلط که آمیزه‌ای از مواد گیاهی، حیوانی و معدنی در آن دخیل است و در نهایت بدل داروها یا داروهای مشابه است. در روزگار گذشته به دلیل در دسترس نبودن برخی از مواد تشکیل‌دهنده که به سبب تغییر فصل، کمیاب بودن، گرانی برخی مواد تشکیل‌دهنده؛ مانند طلا و نقره و یا دوری منطقه جغرافیایی به واسطه الزام در استفاده از نوع ویژه‌ای از یک ماده که بایستی در دارو مورد استفاده قرار می‌گرفته، موجب می‌شد که طبیبان در آثار خود بخشی را به بدل داروها که در واقع همان داروهای جایگزین یا مشابه بودند، اختصاص دهند. معصومی نیز از این مورد مستثنا نکرده است و فایده هفتم از مقدمه را به ذکر بدل ادویه به ترتیب حروف جمل اختصاص داده است که از (۱۹ر) شروع و تا (۲۱پ) ادامه پیدا می‌کند. نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

اسطوخودوس: بدل آن اقیمون است. (۱۹پ)

بذر الفجل: بدل آن حب الرشاد بود. (۲۰ر)

حنظل: بدل آن حب الخروع بود. (۲۰پ)

نحوه نامگذاری داروها: مؤلف برای نامگذاری داروها از روش‌های مختلفی استفاده کرده است. گاهی دیده می‌شود که مؤلف در نامگذاری یک دارو نام یکی از مواد تشکیل‌دهنده آن دارو را برگزیده است مانند: «معجون سیسالیوس: صرع را نافع باشد و طبع را نرم دارد؛ ص: سیسالیوس و عاقرقرحا و اسطوخودوس از هر یک، دو درم...» (۶۳پ)

گاهی نام کاشف دارو را به انتخاب نامی دیگر رجحان داده است؛ مانند: «تریاق محمد زکریا: عین نفع دهد.» (۳۰ر) فایده یک دارو از دیگر مواردی است که در نامگذاری ادویه به کمک معصومی شتافته است؛ مانند: «معجونی که مسهل بلغمی بود.» (۶۶ر) و نیز: «ضمادی دیگر رمد را نافع باشد.» (۲۱۱پ)

اوزان دواها و هم در مقدار و هم در ترتیب متفاوت و مختلف است. (۵۰پ)

معصومی برای نگارش قرابادین خویش از آرای بیش از چهل مؤلف بهره جسته است که اگرچه نام تعدادی از آنان چون قیصر، اسخف، عسکری و ... به صورت کامل ضبط نشده و برای ما شناخته شده نیستند؛ اما نام بسیاری از ایشان در میان حکیمان حاذق قرار دارد که بر اعتبار قرابادین معصومی و نیز جایگاه مؤلف از لحاظ سطح اطلاعات علمی می‌افزاید و برگفته او مبنی بر نگارش اثری جامع که دیگران را از مراجعه به سایر قرابادینات بی‌نیاز می‌کند، صحه می‌گذارد. اسامی مشهورترین استادان و منابعی که در قرابادین معصومی به آن اشاره شده است به قرار زیر است:

حکیمان: بدرالدین قلانسسی، ابوعلی سینا، عماد الدین محمود شیرازی، ثابت بن قروه، محمد زکریای رازی، یوحنا سیرانی، کناش بقراطی، محمد باقر قمی، جالینوس، میر محمد باقر داماد، ارسطو، معین‌الدین طیب، مولانا شمس‌الدین اردبیلی، بقراط، شیخ نجم‌الدین سمرقندی، ارکاغانیس، سلمویه، حسین بن اسحاق، ارسطاطالیس، ابن بابویه، شریفه گیلانی و ...

کتاب‌ها: کامل الصنایع الطیبه اثر علی بن عباس مجوسی اهوازی؛ الاسباب و العلامات اثر حکیم نفیس ابن عوض کرمانی؛ ذخیره خوارزمشاهی اثر سید اسماعیل جرجانی؛ منهاج البیان اثر ابوعلی یحیی بن عیسی بن جزله؛ قانون اثر ابوعلی سینا؛ الحاوی اثر محمد زکریای رازی.

تأثیرپذیری قرابادین معصومی از طب شرقی و اروپایی: پیش از آنکه به نمونه‌های تأثیرپذیری قرابادین معصومی از طب شرقی و اروپایی بپردازیم لازم است از دلایل نفوذ آن به ایران در عصر صفوی سخن بگوییم.

در عصر صفوی به دلیل ناملایمت‌های فراوانی که از جانب دربار در حق پزشکان روا داده می‌شد بسیاری از آنها به کشورهای شرقی چون چین و هند مهاجرت می‌کردند. (۱۹)

در این دوره در حالی که در ایران کتب گزارشی و بالینی مانند کتاب‌های قرابادین و داروشناسی نوشته می‌شد در هند

سکرجه کبیر، سکرجه صغیر، ملغقه، قوطیل، ابریق، حامی کبیر، حامی صغیر، حرفه، مسطون کبیر، مسطون صغیر، قواس و ناظل.

اوزان هندی: با توجه به اینکه نویسنده نیز در مقدمه به ضمیمه کردن برخی داروهای هندی به اثر خویش اشاره کرده است، لذا علاوه بر وزن‌های رایج در ایران، ارزش مقادیر هندی را نیز در فایده هشتم یادآور شده است.

من: یک من شاه جهانی، چهل سیر است؛ سیر ولایت هند: چهل دام است؛ دام: دامی بیست و یک ماشه است؛ توله: دوازده ماشه است؛ ماشه: هشت سرخ است که رتی نیز می‌گویند. تانک: بیست و چهار رتی است. (۲۲پ)

منابع مورد استفاده در تألیف قرابادین معصومی: همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد داروشناسی در دوره‌های پیشین بر اساس تجربه و آزمون بوده است؛ بنابراین حکیمان و نویسندگان برای رسیدن به درجه عالی در طبابت و تألیف کتابی جامع در این خصوص ناگزیر به مطالعه آثار معتبر پیشینیان بوده‌اند. (۴) مطالعه قرابادین معصومی نشان می‌دهد این مسئله اولاً به سبب مراجعه به منابع معتبر متعدد، بر اعتبار اثر آنان می‌افزوده و در ثانی آزمون برخی نسخه‌های متقدمین و عدم کسب نتیجه ذکر شده از آن سبب فضل فروشی آنها و بی‌اعتبار خواندن نسخه تجویز شده توسط حکیم متأخر می‌شده است. نمونه‌هایی از این رسم به نقل از ابوعلی سینا و صاحب «ذخیره خوارزمشاهی» در «قرابادین معصومی» نیز مشاهده می‌شود:

شلیتا: ... شیخ ابوعلی سینا رحمه‌الله می‌گوید: که ترکیب این معجون ترکیبی عجیب است، طبیبان را از این اعتمادی کامل است و از وی منفعت‌ها ضامن شده‌اند و من از وی اثر بزرگ ندیدم، جز آنکه استرخای زبان و کوفتگی زبان را سود دارد، می‌گوید که این معجون مشوش است و صاحب ذخیره خوارزمشاهی می‌گوید: که بر شیخ اعتراضی نیست و وی محق است و عجب‌تر اینکه نسخه‌های این معجون همه مشوش است و هر نسخه که در کتابی است باهم برابر نیست، هم در

ص: غلبه برودت و نفخ شکم و قراقر و هضم طعام را نافع بود. (۱۰۷پ)

تیداریطوس: از معاجین مسهل است. نام ملکی یونانی است که او این ترکیب ساخته. (۲۳ر)

تیداریطوس اکبر: فواید و خاصیت این بسیار است از آن جمله سودمند بود مزاج‌های سرد را و درد جگر و امعا... (۶۱ر)

بحث:

با آنکه در عصر صفوی نوآوری چندانی در زمینه داروسازی صورت نمی‌گیرد؛ اما به دلیل ترجمه شدن بسیاری از کتب و نیز تبدلات گسترده فرهنگی با کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی علم داروسازی از خرافات دور شده و فصل جدیدی از تأثیر متقابل علمی میان ممالک آغاز می‌شود که آثار طبی ایرانی را به سمت جامع شدن، سوق می‌دهد. قرابادین معصومی که از آثار تألیف شده در همین دوره است به سبب استفاده از منابع معتبر متعدد اطلاعات مفیدی در خصوص دیگر نویسندگانی که در قرابادین نویسی دستی داشته‌اند در اختیار ما قرار می‌دهد. همچنین به دلیل فهرست کردن نسخه‌های متنوع، اطلاعات جامعی از خواص دارویی مواد معدنی، نباتی و حیوانی به خوانندگان ارائه می‌دهد که کمتر می‌توان در سایر کتب مشابه نظیرش را یافت. همچنین این اثر با به‌کار بردن واژه‌های مترادف فراوان توان زبان فارسی را در واژه‌سازی به خوبی آشکار می‌کند و نیز در بردارنده اطلاعات مهمی است.

سبک‌شناسی از دوره صفوی و نماینده نحوه نگارش کتب علمی در آن دوره است.

کتاب‌های مشروح پزشکی مانند قانون ابن سینا در حال نگارش بود. در این دوره کتب پزشکی ایرانی در هند به دو دلیل عمده مورد استفاده قرار نمی‌گرفت: اولاً دوری مسافت میان ایران و هند سبب می‌شد که پزشکان به حمل وسایل ضروری و کتاب‌های مذهبی بسنده کنند و تألیفات پزشکی خود را همراه نبرند؛ ثانیاً اختلاف زبان میان دو کشور کتاب‌های پزشکی ایرانی را بلا استفاده باقی می‌گذاشت. همین عوامل سبب شد که نه تنها کتب طب هندی به ایران وارد شود، بلکه پزشکان مهاجر ایرانی نیز دستاوردهای طبی هندیان را در میان سطرهای تألیفات خود بگنجانند.

از طرف دیگر با وجود آنکه طی قرن‌ها پس از جنگ‌های ایرانیان و رومیان، ارتباط علمی و تجاری میان ایران و اروپا قطع شده بود؛ اما وقوع دو عامل مهم در عصر صفوی سبب تحولی جدید در تاریخ ارتباطات ایران و اروپا شد. این دو عامل مهم یکی ورود هیئت‌های تجاری شرکت هند شرقی و دیگری ورود هیئت‌های مذهبی مسیحی به ایران بود. (۴) اگر چه اهداف آنان از ورود به ایران چیزی غیر از صادر کردن طب اروپایی به ایران بود؛ اما همراه داشتن پزشکان خبره توسط این دو گروه راه نفوذ طب اروپایی به ایران را هموار ساخت. (۲۰)

کتاب قرابادین معصومی نیز از عوامل مذکور بی‌تأثیر نمانده است. در متن کتاب به وفور به نمونه‌هایی از نسخه‌های هندی و یونانی برمی‌خوریم که گواه این مطلب است. از جمله نمونه‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جوارش هلیله: از هندیان است. طعام بگوارد و اشتها بیاورد و بواسیر را فایده دهد و بادها بشکنند و طبع را نرم دارد.

ص: پوست هلیله کابلی و هلیله زرد از هر یک، پنج درم؛ هلیله سیاه سه درم؛ فلفل و... (۸۵ر)

شراب نانخواه: به طور هندیان و معمول اهل هندیان

References:

۱. ارجمند، محسن: نگاهی به تاریخ طب در ایران. کتاب ماه علوم و فنون: ۱۳۸۴، شماره ۸۶، صص ۲۱-۱۰.
۲. واسطی، نیر: تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان. ج ۱. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ص ۲۰، ۱۳۵۲.
۳. براون، ادوارد: تاریخ طب اسلامی. ترجمه: رجب نیا، مسعود، چ ۴، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، صص ۱۱۲-۱۰۹، ۱۳۶۴.
۴. شیرازی، معصوم بن کریم الدین: قرابادین معصومی. نسخه ی خطی شماره ۶۳۲۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۰۵۹ ه.ق.
۵. میرحیدر، حسین. (۱۳۶۸). گنجینه ی اسرار گیاهان. وحید، تهران، صص ۳۶، ۱۳۶۸.
۶. فرخنیا، رحیم: طب اسلامی و جایگاه آن در میان نظام های بزرگ طب سنتی. مجله مشکوة: ۱۳۸۲، شماره ۸۱، صص ۸۶-۷۶.
۷. دوستخواه، جلیل: اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی. ج ۱. چ ۱۰، مروارید، تهران، صص ۱۳۸، ۱۳۸۵.
۸. دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا.
۹. صفا، ذبیح اله: تاریخ ادبیات در ایران. ج ۱. چ ۱۶. انتشارات فردوسی، تهران، صص ۹۹، ۳۴۸-۳۴۴، ۱۳۸۰.
۱۰. دانشفرد، بابک: تأثیر مکتب جندی شاپور بر مکتب پزشکی بغداد. مجله تحقیقات تاریخ پزشکی: ۲۰۱۳، سال دوم، شماره ۲، صص ۵۶-۴۹.
۱۱. رضوی برقی، سیدحسین: نقد و نگاهی به ترجمه کتاب «طب در دوره صفویه». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا: ۱۳۸۲، شماره ۷۰ و ۷۱، صص ۲۸-۲۲.
۱۲. شیرازی، معصوم بن کریم الدین: قرابادین معصومی. نسخه های خطی به شماره های ۱۶۸، ۲۱۳، ۲۱۴. کتابخانه ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران، ۱۰۵۹ ه.ق.
۱۳. شیرازی، معصوم بن کریم الدین: قرابادین معصومی. نسخه خطی شماره ۷۶۴. کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد، مشهد، ۱۲۴۰ ه.ق.
۱۴. شیرازی، معصوم بن کریم الدین: قرابادین معصومی. نسخه خطی شماره ۱۹۹۵. ف. کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی، تهران، ۱۱۷۶ ه.ق.
۱۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن: الذریعه الي تصانیف الشیعه. ج ۳، اسلامیة، تهران، صص ۳۲۰، ۱۳۵۳.
۱۶. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن: الذریعه الي تصانیف الشیعه. ج ۱۰، اسلامیة، تهران، صص ۱۲۶۸-۱۳۵۵، ۱۲۶۶.
۱۷. مؤمنی، زهرا: داروشناسی یا فارماکولوژی. کتاب ماه علوم و فنون: ۱۳۸۸، شماره ۱۲۱، صص ۷۰-۵۵.
۱۸. میرزایی، علی پدram: کهن ترین نسخه خطی کتابخانه گنج بخش در طب. فصلنامه مطالعات شبه قاره: ۱۳۹۳، شماره ۱۹، سال ششم، صص ۱۳۰-۱۰۳.
۱۹. دانشگاه کمبریج: تاریخ ایران دوره صفویان. ترجمه: آژند، یعقوب. چ ۴. انتشارات جامی، تهران، صص ۳۰۴، ۱۳۸۸.
۲۰. الگود، سیریل: طب در دوره صفویه. ترجمه: جاویدان، محسن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص ۱۰۸-۱۰۵، ۱۳۵۷.